



بررسی وضعیت اجتماعی فرهنگی و اقتصادی مصر عصر خلفای فاطمی با تمرکز بر سفرنامه ناصر خسرو

محسن سلطانی^۱

نیم تاج آقازاده مقدم^۲

یوسف جعفرزاده^۳

چکیده

انسان از دیرباز به گشت و گذار و مسافرت اهمیت داده و از این میان به تجربیات و اطلاعات خوبی دست یافته است. با ظهور اسلام و تاکید قرآن و احادیث در مورد سفر، سفرنامه‌نویسی نیز جهت ثبت وقایع و گزارشات حاصل از سفر مورد اهمیت قرار گرفت. استفاده از علوم و تجربیات اقوام و ملت‌های مختلف در جهت بسط و گسترش اسلام خود دلیل مهمی برای این سفرها می‌توانست باشد. از بین این سفرنامه‌ها، سفرنامه ناصر خسرو که در قرن پنجم هجری به زبان فارسی نوشته شده است جهت شناسایی سرزمین‌های اسلامی حائز اهمیت بسیار است. از جمله مناطقی که ناصر خسرو در خصوص وضعیت فرهنگی و اجتماعی آنجا اطلاعاتی ارائه می‌دهد، مصر است. توصیف وضعیت فرهنگی و اجتماعی سرزمین مصر، مراسم ملی و مذهبی، ایجاد رفاه و امنیت در کل سرزمین، اقتصاد پویا، رسیدگی به مساجد و جوامع در حد اعلاء و همچنین بهره‌کافی جستن از نیل همیشه پرآب جهت رشد و شکوفایی کشاورزی و اقتصادی کشور مصر از ویژگی‌هایی است که وی در سفرنامه‌اش به آنها اشاره کرده است. بر اساس توصیف‌های ناصر خسرو، مصر از جهات مختلف، از اقتصاد و امنیت و رفاه خوبی برخوردار و از نظر شکوه عمارت‌ها، تنوع محصولات و گوناگونی مشاغل در میان شهرها شاخص بوده است. این تحقیق به روش کتابخانه‌ای و اسنادی و تحلیل محتوا انجام گرفته است.

واژه‌های کلیدی: سفرنامه، ناصر خسرو، مصر، وضعیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین و دبیر آموزش و پرورش شهرستان آبیک

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه و آموزگار مدارس آذربایجان غربی

۳. عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور واحد کلیبر

از آنجائی که مسلمانان همواره به قرآن و وحی الهی اهمیت داده و به دستورات آن عمل نموده‌اند با استناد آیات و روایات به اهمیت سفر پی برده و در این راه اقدامات فراوانی انجام داده‌اند، لذا در تمدن اسلامی از ارزنده‌ترین کوشش‌های گردشگران دانشمندان و نویسندگان مسلمان، سفرنامه‌ها هستند که موجب شناخت تمدنهای دیگر مناطق و استفاده از فرهنگ و علوم و فنون آنها به نحو مطلوب شده‌اند. این سفرنامه‌ها به بهانه‌های مختلف صورت پذیرفته است. از جمله سفرنامه‌های بسیار مؤثر در این زمینه، سفرنامه ناصر خسرو و قبادیانی بلخی (مروزی) است که در قرن پنجم هجری به رشته تحریر درآمده است. وی در دربار سلاطین غزنوی از جمله سلطان محمود و مسعود به عنوان مردی ادیب و فاضل به کار دبیری اشتغال ورزید و در سن چهل سالگی بر اثر خوابی که می‌بیند دچار تغییر و تحول روحی می‌گردد و سفر هفت ساله خود را به قصد زیارت خانه خدا آغاز می‌نماید. آداب و رسوم، فاصله شهرها و سرزمین‌ها، روش حکومت سلاطین و حاکمان، فرهنگ عامه، محصولات کشاورزی و دستی مناطق مورد بازدید از مسائلی می‌باشد که وی به دقت مورد بررسی قرار داده و در این موضوعات اطلاعات فراوانی به خواننده می‌دهد. وی سفر خود را از شهر مرو شروع و از بیشتر شهرهای ایران بازدید نموده، از سرزمین‌های مصر و حجاز، شام و فلسطین عبور کرده توقفی در مصر نموده و از تاییدات حاکمان مصر بهره‌ها جسته و اعمال حج را در حجاز به جا آورده و از طریق اصفهان و طبرس و قاین و بلخ به زادگاهش رسیده است وی در طول هفت سال بیشتر سرزمین اسلامی را از چشم تیزبین خود گذرانده و بیشترین اطلاعات را به رشته تحریر درآورده است. ناصر خسرو در سرزمین مصر بسیار توقف نموده و توانسته است اطلاعات دقیق و مفیدی از مصر متمدن در آن زمان به ما ارائه دهد، وضعیت رود نیل و کشاورزی وابسته به آن، رفاه و امنیت جشنهای ملی و دینی مصریان و همچنین توجه خاص به مساجد و اهمیت آنها در امور فرهنگی و اجتماعی از موارد بسیار مهمی است که وی به آنها پرداخته است. در این مقاله سعی بر آن است که شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصر عصر خلفای فاطمی با تمرکز بر سفرنامه ناصر خسرو بررسی شود.

پیشینه تحقیق

در طول سالهای اخیر کتابهای زیادی از سفرنامه ناصر خسرو به چاپ رسیده است که گاهی تحلیل، رونویسی، ساده نویسی و یا گزیده نویسی از آن بوده است. نادر و زین پور در کتاب «مجموعه سخن پارسی» که به سال ۱۳۷۰ توسط انتشارات امیرکبیر در تهران به چاپ رسیده است، سفرنامه را جزء شاهکارهای ادب فارسی دانسته و کتاب خود را براساس سفرهای ناصر خسرو فصل بندی نموده و از اولین سفر تا آخرین سفر وی را با گذر از شهرهای مختلف بلاد اسلامی و به ذکر دقیق مسافتها و جغرافیا و ساخت‌های زیستی مناطق و همچنین آب و هوای آنها پرداخته است. نگارنده از مطالب کتاب در مورد اوضاع اجتماعی و فرهنگی برداشته‌هایی را نموده است که آنها را مورد استفاده قرار خواهد داد.



سید محمد دبیرسیاقی دو مجلد در مورد سفرنامه دارد؛ «ره آورد سفر» که گزیده سفرنامه به سال ۱۳۷۲ انتشارات سخن تهران به چاپ رسیده است که در آن خلاصه و برگزیده سفرنامه را آورده و مناطق و اسامی را همانگونه که بوده به رشته تحریر آورده است و نگارنده با استفاده از آن، آداب و رسوم، مناطق مهم، شخصیت‌های علمی و اجتماعی مطرح شده را به دیگران معرفی نماید. دیگر کتاب از همان نویسنده که همنام خود کتاب ناصر خسرو می‌باشد بسیار مفصل‌تر و جامع‌تر بوده و بنام سفرنامه ناصر خسرو که به سال ۱۳۷۲ توسط انتشارات سخن تهران به چاپ رسیده است. در این کتاب، نویسنده به حاشیه نویسی، تعلیقات و فهارس و اعلام تاریخی و جغرافیایی و لغات پرداخته و نام تمامی مناطق را براساس حروف الفباء نوشته و توضیحاتی داده است و به موضوعاتی که ناصر خسرو خود به آنها اهمیت داده چون اقتصادی، فرهنگی، نظامی و اجتماعی، توجه نکرده است. لذا نگارنده می‌خواهد که به موضوعات مهمی چون فرهنگی و اجتماعی سفرنامه نیز پرداخته و مصر و حجاز را در چشم تیزبین قرار داده و از سطور مختلف کتاب آن را بیرون بکشد.

کی لسترنج در کتاب «سرزمین‌های خلافت شرقی» که توسط محمود عرفان به سال ۱۳۳۷ ترجمه و در تهران به چاپ رسیده است از سفرنامه ناصر خسرو و مطالب آن در مورد مناطق مختلف بهره‌ها برده و به جغرافیایی که توسط وی ترسیم شده است اهمیت زیادی می‌دهد، ولی در مورد دیگر مطالب چون مکانهای مهم و درجه اهمیت آنها، آداب و رسوم و مراسم مذهبی توجه نکرده است. ایگناتی یولیا نوویچ کروچکوفسکی در کتاب «تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلام» ترجمه ابوالقاسم پاینده به سال ۱۳۹۳ انتشارات علمی و فرهنگی تهران؛ از سفرهای حج ناصر خسرو صحبت نموده و بطور نمونه چند سفر وی به مناطق و بلاد را نوشته و در آن هیچ توضیح اضافی یا تفسیری در مورد سفر و مردم نیاورده است و تقسیم بندی در مورد طبقات اجتماعی صورت نداده است

محمدعلی زکی طی مقاله‌ای که در سال ۱۳۷۶ به رشته تحریر درآورده با عنوان «بررسی جامعه شناختی سفرنامه ناصر خسرو»، وی در این مقاله به معرفی شخصیت ناصر خسرو پرداخته و اهمیت موضوعات بیان شده در کتاب را آورده و نظام‌های مختلف را به تفکیک بیان و آن را به چندین نظام مختلف مانند: اجتماعی، سیاسی، نظامی، اقتصادی و... تقسیم نموده، ولی در مورد آنها فقط به بیان مثالهایی بسنده کرده است. ولی در این مقاله از بین این نظام‌ها نظام اجتماعی- فرهنگی و اقتصادی آن هم در سرزمین پهناور آن زمان مصر مورد مطالعه قرار گرفته است. گفتنی است که اطلاعات این نوشته با روش کتابخانه‌ای جمع آوری شده و از منابع دست اول و تحقیقات جدید بهره گرفته است.

۱. اوضاع اجتماعی مصر

اوضاع اجتماعی مصر آن دوران را می‌توان از چند جهت مورد بررسی قرار داد:

الف: مشاغل و طبقات اجتماعی

ب: امنیت و رفاه

ج: محصولات متنوع

۱-۱ مشاغل و طبقات اجتماعی

ناصر خسرو در سفرنامه‌اش به حرف و مشاغلی اشاره کرده که رونق و رواج بیشتری داشته از جمله این مشاغل؛ کشتی‌رانی و نگهداری بندر است. ناصر خسرو در این خصوص می‌نویسد: «در این شهر بندری ۵۰۰۰۰۰ مرد کشتی‌ران همراه ۱۰۰۰ کشتی وجود دارد که کالاهای صادراتی و وارداتی را جابه‌جا می‌نمایند. (ناصر خسرو، ۱۳۷۰: ۶۴). ضمناً توجه به نظامیان و نظامی‌گری را هم می‌توان از لابلای سخنان وی بدست آورد. مانند: «همچنین لشکری سرتاپا مسلح هستند که مانع تجاوز سربازان فرنگ و روم می‌شوند».

در میان مشاغل دولتی به شغل منسب یا مسئول جمع‌آوری مالیات اشاره نموده، وی می‌نویسد: «صاحب منسب سخن می‌راند که مسئول جمع‌آوری مالیات از مردم و بازرگانان بوده و در گرفتن این وجه زور و اجباری به مردم صورت نمی‌گرفته است و هر روز نزدیک یک هزار دینار مغربی به خزانه سلطان مصر می‌دهند». (وزین پور، ۱۳۷۵: ۴۷). از دیگر مشاغل مصر در آن زمان کسانی بوده‌اند که خران زینتی آراسته بر سر هر کوی و برزن نگه داشته تا اگر کسی خواهد بر نشیند و اندک کرایه دهد و نیز هیچ‌کس جز لشکریان و سپاهیان بر اسب نشینند و بسیار خران ابلق لطیف‌تر از اسب است که جهت کرایه تزئین نمایند. (ناصر خسرو، ۱۳۷۵: ۶۵) از دیگر مشاغلی که ناصر خسرو اشاره نموده است، سقاییانی هستند که آب می‌کشند، ۵۰۰۰۰۰ شتر همراه با سقاها بوده‌اند و همچنین افرادی که بر پشت خود و بر سبوه‌های برنجین و خیکها آب می‌کشند، جهت کوچه‌هایی که بسیار تنگ هستند و شتر نمی‌تواند برود، ناصر خسرو در این میان از زنی صحبت نموده که ۵۰۰۰ سبو داشته و آنها را کرایه می‌داده ماهی به یک درهم و به این شرط که سبورا سالم برگردانند. (همان: ۵۶)

ناصر خسرو در نوشته‌های خود به این اشاره دارد که اول شخص مصر سلطان و بعد از آن وزیر و در مرتبه سوم قاضی القضاة قرار داشته‌اند. قاضی را آنچنان تطمیع می‌نمودند که چشم به مال مردم نداشته باشد و دیگر قاضیان نیز در مرتبه خود به نسبت مقامشان حقوق می‌گرفته‌اند. (همان: ۶۸) ذکر این نکته ضروری است که تعدد بازار در شهرهای مصر نشان از فعالیت‌های اقتصادی و رونق کسب و کار در این سرزمین دارد. معمولاً تجارت زمانی رونق می‌یابد که بازار فروش وجود داشته باشد. ناصر خسرو می‌نویسد: در قاهره بازاری است که آن را «سوق القنادیل» می‌نامند و در سایر سرزمین‌ها چنین بازاری نیست. هر ظرایف که در عالم باشد نیز در آنجا یافت شود. (همان: ۹۲)

طبیعی است که رونق تجاری مصر در هر دوره تاریخی، رابطه مستقیم و منطقی با بازار دارد. در قرون مورد مطالعه در حوضه مدیترانه، خصوصاً مصر تعدد و تنوع بازار، دلیل روشن بر رونق اقتصادی، بویژه اقتصاد تجاری است. فسطاط مرکز مصر و زاینده بغداد و اسلام و تجارتخانه ملت‌ها و مهمتر از مدینه اسلام است انبار مغرب و بارانداز مشرق، رونق بخش حج است. در میان شهرها، پرجمعیت‌تر از آن نیست. تجارتخانه‌های شگفت و بازارهایی با درآمدهای نیکو دارد و بندری پر کشتی تراز آن نباشد.... (مقدسی، ۱۳۸۵: ۲۸۰)

توضیحات شاهدان عینی مانند ناصر خسرو دیگران از مصر در باب بازار و تجارت و آمد و رفت تجار حکایت از این دارد که در آن دوران، وضعیت اقتصادی مصر بسیار خوب و پردرآمد بوده و در اقتصاد مدیترانه سهم مهمی داشته است. ورود



کشتی‌های چینی و رومی و ارتباطات تجاری مصر با دولت شهرهای ایتالیایی خصوصاً شهرهای «پیزا» و «آمالفی» نشان از جایگاه مهم اقتصادی در مدیترانه دارد. (حتی، ۱۳۶۱: ۲۶۴)

طبق مطالعات انجام گرفته می‌توان به این نتیجه رسید مصریان تمامی صنایع دستی و هنری خود را از نسلی به نسل دیگر انتقال داده و در ایجاد صنایع جدید بسیار موفق بودند. بطوریکه بازارهای مناطق مختلف شاهد خرید و فروش محصولات دستی مصریان بوده است و همچنین وجود باغات و انواع درختان باعث شده بود صنایع مختلف چوبی در آنجا رونق یابد که این نیز مرهون وجود رود نیل بوده است.

۱-۲- امنیت و رفاه اجتماعی و صداقت مردم مصر

طبق بررسی‌های صورت گرفته، کشور مصر از همان زمان فراغت‌داری رفاه و امنیت بسیار خوبی بوده است. که اگر غیر آن بود مردمانی با فرهنگ اصیل و هنرها و صنایع بسیار باشکوه پرورش نمی‌یافتند. ناصر خسرو در جای جای سفر خود از این امنیت و رفاه سخن به میان آورده است.

آنجا که از مغازه‌دارهای مصر سخن می‌راند که از دزدی و دروغ به دور بودند و هیچ موقع در مغازه‌ها را قفل نمی‌کردند پرده‌ای روی وسایل می‌انداختند و می‌رفتند بدون اینکه کسی دست‌درازی بنماید. آنچنان دقیق وزن و منصفانه قیمت می‌دادند که در هیچ جایی دیده نشده بود. (ناصر خسرو، ۱۳۷۵: ۶۵) ناصر خسرو در خصوص فرهنگ راستگویی و امانت‌داری و امنیت در مصر می‌نویسد: اهل بازار مصر هر چه فروشنده راست گویند و اگر دروغی بگویند، فرد را بر شتری زنگی قرار می‌دهند تا در شهر بچرخاند و بگوید که من دروغ گفته‌ام و پشیمانم. امن و فراغت در مصر بدان حد است که دکانهای بزازی و صرافان و جوهریان را نمی‌بستند و تنها پرده‌ای روی آن می‌کشیدند و کسی به آنها دست نمی‌زد. (همان: ۷)

ناصر خسرو در مورد رفاه و امنیت مثالی را مطرح می‌کند به این صورت که: «روزی سلطان صاحب فرزند پسری می‌شود و برای این شادی جشن بزرگی گرفته می‌شود همه جا را آذین می‌بندند و چراغدان‌هایی را روشن می‌کنند و همه مردم در این جشن و سرور شرکت می‌کنند، بازارها بسته شده و در این شلوغی آنچنان امنیت برقرار بوده است که هیچ کس حتی جواهرفروشان هم مغازه نبسته و روی آنها را نمی‌پوشانند. (ناصر خسرو، ۱۳۸۱: ۷۵)

از کارهایی که خلفای مصر انجام می‌داده‌اند این بوده که ایامی در هفته برای رد مظالم و رسیدگی به شکایات در مسجد جامع می‌نشستند خلیفه با رئیس چهار مذهب به شکایات مردم رسیدگی می‌کردند وزیر بیت‌المال و بازرسی هم حضور داشتند. (مبارک، ۲۰۰۸ م: ۱۳۶) ناصر خسرو، بحث اماکن عمومی و امنیت و رفاه برای عموم را نیز مطرح می‌کند. و در مورد قاهره مصر می‌نویسد: «گرما به، کاروانسرا، دکان و عمارت‌های نیکو در شهر قاهره وجود دارد. این شاخص‌ها حاکی از امکانات مطلوب در این شهر است. وی می‌گوید: «... و تقریر کردم که در این شهر قاهره از بیست هزار دکان کم نباشد همه ملک سلطان، کاروانسرای و گرما به و دیگر عمارت چندان است که آن را حد و قیاس نیست و شنیدم که در قاهره و



مصر هزار سراسر از آن سلطان که آنها را به اجاره می‌دهد. هر ماه کرایه می‌گیرند که خواست مردم هم در آن لحاظ می‌شود. (ناصر خسرو، ۱۳۷۵: ۵۴)

این مطلب را که مصر دارای مکانهای عمومی جهت استفاده عامه‌ی مردم بوده است، در کتب دیگری نیز ذکر شده که: «در دو قسمت مسجد عمر بازارها و مغازه‌های فراوانی بوده است و جالب‌تر از همه انبارها و دست‌شویی‌هایی بوده که جهت استفاده عموم ساخته شده‌اند» همچنین به گرمابه‌های پاکیزه‌ای که دارای دیوارهای محکم و آبی خوش و تمیز بوده‌اند نیز، اشاره شده است. (مقدسی، ۱۳۸۵: ۲۸۸) ناصر خسرو با ذکر کاروانسرا می‌خواهد نشان دهد که شهر قاهره، شهری تجاری و توریستی است و گرمابه و حمام نشان از وضعیت خوب بهداشت و پاکیزگی مردم شهر است و مهمتر از آن، این که تمام این املاک و زمین‌ها متعلق به سلطان وقت است. بنابراین شاخص اجتماعی (امور عام‌المنفعه) مورد توجه است. برای نمونه: «و کاروانسرای و گرمابه و دیگر عقارات چندان است که آن را حد و قیاس نیست تمامت ملک سلطان است که هیچ آفریده را عقار و ملک نباشد». (ناصر خسرو، ۱۳۸۱: ۷۷)

۱-۳- تأثیر نیل در رفاه اجتماعی مردم مصر

به علت وجود نیل پرآب و آب و هوای گرمسیر و سردسیر نقاط مختلف مصر پرورش گیاهان و درختان زراعی و باغی به فور یافت شده و کشاورزی رونق فراوانی داشته است به گونه‌ای که هر فصل سال میوه‌های مخصوص خود را داشته و همچنین از طریق خشکی و دریا به نقاط دیگر فرستاده می‌شده است. ناصر خسرو به علت اهمیت رود نیل، از شخصی سخن به میان آورده که از طرف سلطان جهت اندازه‌گیری آب آن استخدام شده بوده است. وی می‌نویسد: «فردی می‌باشد که وظیفه‌اش اندازه‌گیری سطح و ارتفاع آب نیل است این عامل از طرف سلطان هزار دینار پول می‌گرفته تا مقدار بالا آمدن رود نیل را ثبت و ضبط نماید». (وزین پور، ۱۳۷۵: ۴۷). ناصر خسرو از شهر مصر و کاشت درختان آن و اینکه به دلیل وجود نیل و فراوانی آب مردمان آن مهارت عجیبی در پرورش درختان میوه داشته، به فراوانی یاد می‌کند. در مصر از نظر کاشت درختان بویژه در پشت بامها توسط ناصر خسرو بسیار تعریف شده است و بیان می‌کند که کسانی بودند که چون گلخانه‌های امروزی درختان را در گلدان‌های بزرگ می‌کاشتند و بنا به درخواست مردم آنها را حتی در پشت بامهای هفت طبقه شهر و طوری از گلدان جدا کرده و کاشتند که هیچ ضرری به گل یا درخت نمی‌رسید ناصر خسرو خود می‌گوید: شخصی بر بام هفت طبقه باغچه‌ای کرده و درختان نارنج و ترنج و موز کاشته و حتی گوساله‌ای را در آنجا تربیت نموده که با کمک آن آب را به بالای ساختمان می‌کشیدند. (ناصر خسرو، ۱۳۷۲: ۸۳)

ناصر خسرو به این جنبه هم به خوبی پرداخته و طوری توصیف می‌کند که کسی که به مصر سفر نکرده است کاملاً می‌تواند تصور نماید چه محصولاتی بوده است وی می‌نویسد: «روز سیم دی ماه قدیم از سال چهارصد و شانزده عجم این میوه‌ها و سپرغم‌ها به یک روز دیدم که ذکر می‌رود وهی هذ. گل سرخ، نیلوفر، نرگس، ترنج، لیمو، مرکب، سیب، یاسمن، شاه سپرغم، به، انار، آمرو، خربوزه، دستبونه، موز، بلبله‌تر، خرما، تر، انگور، نیشکر، بادنجان، کدوی تر، ترب، شلغم، کونب،

باقلائی تر، خیار، بادرنگ، پیاز تر، سیرتر، جز و چغندر، هر که اندیشه کند که این انواع میوه دریاچین که بعضی خرفی (پاییزی) است و بعضی ربیعی (بهار) و بعضی سیفی (تابستان) و بعضی شتوی (زمستان) چگونه جمع بوده باشد همانا قبول نکند فاما مرا در این غرفی نبوده و نوشتم الا آن چه دیدم و بعضی که شنیدم و نوشتن عهده آن بر من نیست چه ولایت مصر وسعتی عظیم دارد و از همه اطراف هر چه باشد به شهر آورند و بعضی در بازارها می فروشند». (ناصر خسرو، ۱۳۸۱: ۱۷۳-۱۷۲) و در تمامی شهرها و روستاها و مناطق انواع درختان و گل و میوه‌ها وجود داشته و آنچه را نداشته‌اند از جاهای دیگر تهیه نموده‌اند. در تمامی بازارها میوه‌های زمستانی و تابستانی دیده می‌شود انواع میوه‌ها چون: موز و ترب، انجیر ریز، دانه خوراکی تومس که با نمک خورند، میوه سدر، انواع روغن‌ها و... مواردی هستند که به وفور یافت می‌شوند. (مقدسی، ۱۳۸۵: ۲۹۲)

نیل نه تنها از جهت اقتصادی و معیشت بلکه از لحاظ کشتی رانی و صادرات و واردات کالاها نیز مؤثر بوده و از طرف حکومت خراج هم از طریق آن گرفته می‌شده است همانطور که اضافه شدن آب آن دلیل شادی و جشن بوده کم شدن آب نیل باعث قحطی و شیوع انواع بیماریها بخصوص وبا بوده است. نیل باعث آسایش و رفاه مردم و حاکمان بوده است. (همان: ۱۷۵) با توجه به مطالب بیان شده می‌توان به این نتیجه مهم دست یافت که منبع اصلی رفاه و درآمد مردم مصر و شکوه و عظمت آن مربوط به رود نیل بوده است؛ چرا که بیشترین مشاغل کشاورزی، هنرهای دستی و صنعتی و درآمدهایی چون کشتی رانی و... در سایه وجود آن صورت می‌گرفته است.

۲- وضعیت دینی و مذهبی مصر

در بیشتر دوره حکومت فاطمیان، اهل سنت آزادانه به زندگی و فعالیت دینی و اجتماعی خود مشغول بودند. هر یک از مذاهب قاضی خود را داشتند و قضات بسیاری از شهرها و مناطق سنی مذهب بودند (واکر، ۱۳۸۳: ۵۶) و در اجرای احکام بر اساس مذهب خود عمل می‌کردند. مجالس درس اهل سنت نیز به فعالیت خود ادامه می‌دادند (رمضان، ۱۹۹۳ م: ۳۳۳) افزون بر این‌ها برخی از سنی مذهب‌ان به مقامات بالای حکومتی رسیدند چنان که رضوان بن ولخشی در زمان خلافت الحافظ به وزارت رسید (چلونگر؛ فضلی، ۱۳۹۰، ص ۳۶-۳۵) «مذاهب شافعی و حنفی، مالکی و حنبلی در مصر بوده‌اند و قاضی‌القضاة مذهب شافعی داشته است» (سیوطی، ۱۳۸۷ ه.ق: ۲۱۵) ناصر خسرو در سفرنامه خود در مورد اینکه «قضاوت به دست قاضی‌القضاة شافعی است» اشاره‌ای نموده است. (ناصر خسرو، ۱۳۷۰: ۶۷)

در جلسات مظالم و دادرسی قاضیان شافعی، حنفی، مالکی و حنبلی به ترتیب رتبه بر تخت نشسته و دادرسی می‌نمودند» و این خود رتبه برتر شافعی مذهب‌ان را می‌رساند. (مبارک، ۲۰۰۸ م: ۳۹/۱) بر خورد با اهل ذمه مصر در عصر فاطمی متفاوت بوده است. جوهر سیسیلی اوایل اداره مصر، از اهل ذمه مدد گرفت، اما چهار سال بعد از فتح، با صدور بیانیه‌ای یهودیان را موظف کرد تا لباسی غیر از پوشش مسلمانان داشته باشند. (مقریزی، ۱۳۵۸ ق: ۶۷) و همچنین در عصر المعز و خصوصاً فرزندش العزیز بالله تسامح مذهبی وجود داشت و حتی در خلافت العزیز، مسیحیان علاوه بر تجدید بنای



کلیساهای خود، مناصب مهمی احراز کردند. با ظهور الحاکم بامرالله در ۳۸۶ ق، مسیحیان از قدرت دور شدند و خلیفه سعی داشت، بیشتر از دیوانیان مسلمان کمک بگیرد. هر چند از اهل ذمه مانند مهد بن ابراهیم و ابن عیدون نیز مدد جست. (مبارک، ۲۰۰۸ م، ج ۱، ص ۴۰۵) لآمر باحکام الله با مسیحیان بسیار تسامح کرد و با آنان مراودت داشت. (مقریزی، ۱۳۵۸ ق: ۲۳۰/۲)

۳. فعالیت فرهنگی در مساجد مصر

ناصر خسرو در سفرنامه می نویسد: «شهر مصر - غیر قاهره - هفت جامع است. چنانکه به هم پیوسته و به هر دو شهر پانزده مسجد آدینه است، که روزهای جمعه در هر نقطه، خطبه و نماز برپاست. در میان بازار مسجدی بزرگ می باشد که باب- الجوامع می گویند، این مسجد توسط عمرو عاص ساخته شده است، به روزگاری که امیر مصر بوده از طرف معاویه، این مسجد چهارصد عمود رُخام داشته است و آن دیوار که محراب در آن جای داشت سرتاسر، تخته های رخام سپید است؛ و کل قرآن بر آن تخته ها به خطی زیبا نوشته شده است».

ناصر خسرو فقط در یک جا و همین مسجد، به بودن مدرسان و مُقربان اشاره نموده است. و از وجود حداقل ۵ هزار نفر از طلاب علوم و افراد عامی و کاتبان که چک و قبالة می نوشتند، سخن به میان رانده است. (ناصر خسرو، ۱۳۷۰: ۶۲) فاطمیان از مساجد و مدارس و کتابخانه ها، برای گسترش عقاید دینی خود، بهره می گرفتند، المعز جامع الازهر را در سال ۳۹۵ ق، افتتاح کرد؛ با این هدف که علوم دینی را گسترش دهد. (همان) آنان برای برآورده کردن اهداف خود، مساجد را به کار می گرفته اند. این مساجد به بهترین وجه ساخته می شده است و برای اداره و تعمیر مساجد، زمین ها و اماکن را عنوان وقف می دادند. (مقریزی، ۱۳۵۸ ق: ۱۱۱/۲)

مساجد زیبا و پررونق علاوه بر نشان دادن معماری و فرهنگ و هنر اسلامی می تواند؛ نشان دهنده تدابیر سلاطین و نحوه حکومت داری، نوع رسیدگی ایشان به اماکن مذهبی و اوضاع اقتصادی آنها باشد. (دزفولیان، ۱۳۸۷: ۹۵) ناصر خسرو به طرز زیبایی اندرونی مسجد عمرو و آنچه در آن است را بیان می کند: «این مسجد چهارصد عمود رخام قایم است و دیوار محراب سرتاسر تخته های رخام سپید است و کل قرآن به خطی زیبا نوشته و درهای مسجد گشاده است و هر کس توان آمد و شد دارد و مدام مدرسان و معرّیان نشسته و از بیرون به چهار حدّ بازار است. (ناصر خسرو، ۱۳۸۱: ۱۰۷) وی در توضیح شهر قاهره و جوامع آن از جامع الازهر نام می برد و می نویسد: «جامع الازهر از همه جوامع قاهره بزرگتر و با ارزش تر بوده و در عیدین، نمازها در آن برگزار گردیده و هر جمعه نماز جمعه برپاست». (همان: ۵۷) همچنین از مدارس و مکانهایی که در اطراف جامع جهت بحث و تعلیم و تدریس بنا شده بودند و مدارس نامیده می شدند، سخن به میان آورده و می نویسد: «مدرسه ای بین جامع ابن طولون و قلعه جبل ساخته شده بود که در آن به تعلیم می پرداخته اند». (همان) نماز جمعه و نمازهای عید در جامع الازهر برگزار می گردید و خلفا به عزاداری می پرداختند و مردم با شنیدن مدایح در رثا اهل بیت ضجّه می زدند. در طول ماه مبارک رمضان نمازهای یومیه به جماعت برگزار می گردید خطبه ها خوانده می شد. (ابن تغری



بردی، ۱۳۹۲ ق: ۵/۱۵۳) از دیگر مکانهایی که هنر و صنعت دست را در آن می‌توان دید و بیشتر در کنار مساجد و بزرگ ساخته می‌شده‌اند «سقاخانه‌ها» هستند که پذیرایی از عابران و مسافران را برعهده داشتند ساختمانهایی سرتاسر از مرمر ساخته شده به رنگ لاجوردی زیبا که مردانی با ظرفهای زیبای برنجی در آن نشسته و به مردمان آب می‌دهند. (ناصرخسرو، ۱۳۷۲: ۸۹)

۴. جشن‌های ملی مردم مصر

جشن فتح‌الخلیج

ناصرخسرو ضمن توجه به آداب و رسوم مردم مصر، از مراسمی که در طول سال و در زمانهای مختلف برگزار می‌گردد، مطالبی را آورده است. وی از اعیاد ملی و مذهبی سخن به میان آورده و مهم‌ترین جشن مصری را جشن خلیج می‌داند و می‌نویسد: «بدان وقت که رود نیل وفا کند- یعنی از دهم شهریور ماه تا بیستم آبان ماه قدیم که آب زاید باشد- هژده گز ارتفاع گیرد، از آنچه در زمستان بوده باشد، و سراین جویها و نهراها بسته باشد به هر ولایت. پس این نهر که خلیج می‌گویند- و ابتدای آن پیش شهر مصر است و به قاهره برمی‌گذرد و آن خاص سلطان است- سلطان برنشیند و حاضر شود تا آن بگشایند. آن وقت دیگر خلیجها و نهراها و جویها بگشایند در همه ولایت. و آن روز بزرگترعیدها باشد. و آن را رکوب فتح‌الخلیج گویند. چون موسم آن نزدیک رسد، بر سر آن جوی بارگاهی عظیم به تکلف جهت سلطان بزنند از دیبای رومی، همه به زر دوخته و به جواهر مکمل کرده، با همه آلات که در آنجا باشد، چنانکه صد سوار در سایه آن بتوانند ایستاده و در پیش این شرع خیمه‌ای بوقلمون و خرگاهی عظیم زده باشند.» (ناصرخسرو، ۱۳۷۰: ۵۷) همچنین در روز جشن که همزمان با شیرین شدن انگورها بوده سلطان به سر آبراه رفته و سد را باز می‌کرده و آب را به قسمت‌های دیگر می‌فرستاد و باعث جشن و شادی می‌گردید. (مقدسی، ۱۳۸۵: ۲۹۴) و مردم جشن گرفته و شکرگزاری می‌نمودند. (مقریزی، ۱۳۵۸ ق، ج ۲، ص ۴۳۶) و صدقات فراوان می‌دادند. (مبارک، ۲۰۰۸ م: ۱/۱۳۶) از مطالبی که در مورد جشن ملی مصریان بیان شد، می‌توان فهمید که ارزش و اهمیت رود نیل بقدری فراوان بوده است که خلیفه مسلمین خود شخصاً در این مراسم حضور یافته و تمامی مخارج را تقبل می‌نمود، تا جائیکه از تمام مناطق افراد حکومتی و نظامی و مردم عادی چه فقیر و غنی حضور داشته و از الطاف خلیفه فاطمی بی‌بهره نبوده‌اند.

۵. اعیاد دینی و مذهبی

۱-۵- اعیاد مسلمانان

مصری‌ها بیشتر از هر قوم دیگری به حد افراطی مذهبی‌اند. سکونت‌گاه‌های خود را، از مصالح کم‌دوام می‌ساختند ولی در ساختن معابد و آرامگاه‌های پادشاهان از سنگ‌های سخت استفاده می‌کردند. (متز، ۱۹۹۰ م: ۸۸) مردمان مصر از آغاز تاکنون به اعتقادات و اعمال مذهبی خود که فهم آن امروز مشکل است، در مدتی بیش از سه هزار سال عمل کرده‌اند. هر



شهر خدایی داشته و هر شهری شأن و منزلت و قدرتش بالا می‌رفته، خدایگانش نیز محترم‌تر شده است. (ماله، ۱۳۰۹: ۸۸) از مؤلفه‌های فرهنگی که ناصر خسرو به آن می‌پردازد جشن‌ها و اعیاد می‌باشد که آن را از جلوه‌های حکومت‌داری فاطمیان برشمرده است. که در تمامی اعیاد و مراسم وجود خلیفه مسلمین الزامی بوده و حضور ایشان باعث گسترش دین و مذهب بوده است و اینکه این اعیاد باعث تحکیم و دوام خلافت فاطمی در مصر می‌شده و می‌توانستند از آنها بهره کافی جهت اشاعه مذهب اسماعیلی ببرند.

ناصر خسرو در مورد عید فطر و رسم سلطان فاطمی مصر، می‌نویسد: «عادت ایشان چنین بود که سلطان در سالی به دو عید خوان نهد و بار دهد، خواص و عوام را. آن که خواص باشند در حضرت او باشند. و آنچه عوام باشند در دیگر سراها و مواضع و من اگرچه بسیار شنیده بودم، هوس بود که به رأی العین بینم. با یکی از دبیران سلطان- که مرا با او همصحبتی اتفاق افتاده بود و دوستی پدید آمده- گفتم: من بارگاه ملوک و سلاطین عجم دیده‌ام- چون سلطان محمود غزنوی و پسرش مسعود- ایشان پادشاهان بزرگ بودند با نعمت و تجمل بسیار، اکنون می‌خواهم که مجلس امیرالمؤمنین را هم بینم، سلخ رمضان سنه اربعین و اربعه (۴۴۰ هـ. ق) که مجلس آراسته بودند تا دیگر روز که عید بود- سلطان از نماز به آنجا آید و به خوان نشیند- مرا آنجا برد، چون از دو سرای به درون شدیم، عمارتها و صُفّه‌ها و ایوانها دیدم که اگر وصف آن کنم، کتاب به تطویل انجامد. گفتند: پنجاه هزار من شکر را تبه (مقرری) آن روز باشد که سلطان خوان نهد. آرایش خوان را، درختی دیدم، چون درخت ترنج، و همه شاخ و برگ و بار آن از شکر ساخته، و اندر او هزار صورت و تمثال ساخته، همه از شکر. مطبخ سلطان بیرون از قصر است و پنجاه غلام همیشه در آنجا ملازم باشند و از کوشک راه به مطبخ است در زیرزمین، و ترتیب ایشان چنان مهیا بود که هر روز چهارده شتروار برف به شرابخانه سلطان بردندی و کل مردم را شربت خوراندی و این روز همه از سلطان نعمت برند. (علوی، ۱۹۹۳ م: ۶۷)

در مورد مراسم مذهبی مصر، منابع دیگر مطالبی را نقل کرده‌اند. در الخطط آمده است: «اعیاد و مراسمی که فاطمیان در مصر انجام می‌داده‌اند؛ شامل چندین عید و مراسم بوده است که ذکر می‌گردد: موسم اول سال و ماه، میلاد پنج تن آل عبا علیهم السلام، تولد خلیفه حاضر، عید فطر، عید غدیر، و عید محمل و فتح خلیج و عید نوروز و همچنین روز عاشورا عزاداری و پذیرایی مفصلی صورت می‌گرفته است. وی یادآور می‌شود که در همه‌ی اعیاد، خلیفه وقت حضور داشته و بازار تعطیل می‌شده است. (مقریزی، ۱۳۵۸ ق: ۴۳۶/۱) همچنین «رسم بر این بوده است، ایامی از سال بخصوص عید قربان و عید فطر خلیفه همراه مردم به دیدار اهل قبور رفته و به مردم و فقرا عیدی و صدقه بدهد. و خلیفه خود نماز عیدی را برگزار می‌نمود. (مبارک، ۲۰۰۸ م: ۱۳۶/۱)

ابن تغری بردی می‌نویسد: «نماز عید فطر که می‌رسید، سلطان را دو ردیف از نگهبانان محافظت می‌نمودند. سلطان همراه قاضیان به طرف جامع حرکت می‌کرد، درحالیکه جمعی از ارتشیان و فرماندهان نظامی پشت سر وی حرکت می‌کردند که تا آن روز مردم آنهمه نیرو یکجا ندیده بودند. بعد از خواندن توسط سلطان، نماز عید برگزار می‌گردید و توسط سلطان همه افطار نموده و غذای می‌خوردند. (ابن تغری بردی، ۱۳۹۲ ه. ق: ۱۲۴/۱). عید غدیرخم در مصر با شکوه خاصی برگزار



می شده است. به عنوان مثال: «در دوره المعز فاطمی (۳۴۱-۳۶۵ هـ ق) وی با موکب مخصوص خود به نام «رکوب عبدالعزیز» با مردم همراه می شد. ضمناً وی به امرا و وزرای دولتی خلعت می داد و بزرگان و بردگانی را آزاد می کرد.» همچنین در مصر در دوره فاطمیان آغاز ماه مبارک را همراهان خلیفه، به مردم اطلاع می دادند و چیزهایی مثل حلوا و سکه برای بزرگان و مستمری بگیران دولتی داده می شد و از اعیاد بسیار مهم و زیبای مصر بود. (طاهری، ۱۳۹۰: ۱۱۷) ناصرخسرو از عید بزرگ و مراسم عظیمی که نام جشن یوم المحمل بوده نام برده است، روزی که پرده کعبه را روی کجاوه شتری بار کرده و در ایام رجب در کوچه و بازار با ساز و آواز می گردانند، تا آتش شوق زیارت خانه خدا در دل ها شعله ور شود. این کار دو بار در سال؛ یکی نیمه دوم ماه رجب و دیگری در ماه شوال انجام می گرفت. (ناصرخسرو، ۱۳۷۰: ۶۸)

۵-۲- اعیاد اهل ذمه

خلفای فاطمی در جشن های ملی که برخی از آنان اعیاد قبطیان به شمار می رفت، شرکت فعال داشتند، مانند؛ عیدالمیلاد، عیدالغطاس و عید خمیس العهد. فاطمیان در این اعیاد سکه های طلا را که "خرایب الذهب" نام داشت، ضرب می کردند. (مقریزی، ۱۳۵۸ هـ.ق: ۲/۲۷) الحاکم، بر برگزاری جشن ها و اعیاد اهل ذمه نظارت و کنترل شدید کرد. او برگزاری عید شعانین و تزئین کلیساها و خارج کردن صلیب ها و نخل را ممنوع نموده و گروهی را به خاطر سرپیچی از این فرمان دستگیر و تنبیه نمود. (همان: ۱/۴۳۶) این عید در دوره خدمت الظاهر لإعزاز دین الله و المستنصر بالله همچنان بر پا می شد، در این باره ابناء میخائیل روایت کرده است که مسیحیان شهر اسکندریه در زمان المستنصر بالله این مراسم را مطابق رسمشان در امنیت و آرامش برگزار می کردند که این امر سبب اعتراض مسلمانان شد اما والی اسکندریه از زمین حمایت نموده و از تعرض به اقباط جلوگیری کرد. (ابن تغردی بردی، ۱۳۹۲ ق: ۱/۱۲۶) ناصرخسرو درباره اعیاد یهودیان بیان می دارد که آنان در کمال آرامش و امنیت به انجام امور مذهبی خود پرداخته و خلفا جهت تثبیت حکومت خویش و اینکه آنان به خاطر حق و حقوق ضایع شده اختلافی ایجاد نکنند همیشه در این مراسم شرکت داشته اند. (ناصرخسرو، ۱۳۷۲: ۱۰۵)

۶. هنر و صنایع دستی مصر

ناصرخسرو آنچه را که دیده، در سفرنامه خود آورده است. وی در مورد پارچه های الوان، مصنوعات فلزی دست ساز آشپزخانه، سفال سازی و بلور سازی و همچنین هنر معماری داخل مساجد جامع مصر، سخن ها دارد. ناصرخسرو گویا علاقه زیادی به وصف معماری شهرها داشته است. ناصرخسرو در میان هنرها و صنایع دستی مردمان مصر به چندین مورد پرداخته و آنها را به دیگران شناسانده که برخی از آنها فقط در انحصار مصریان بوده است وی در گذر از بازار شهر تیس که یکی از بازارهای پررونق و مشهور بوده است به پارچه منحصر به فردی برخورد می نماید که در دیگر بلاد دیده نمی شد وی از بافتن عمامه و وقایه ها و آنچه که مخصوص پوشش زنان بوده است در سفرنامه می نویسد: «قصبهای رنگینی دیدم که در هیچ جای ن یافتند، مگر در تیس و آنچه که سفید رنگ باشد در دمیاط یافتند» (ناصرخسرو، ۱۳۷۵: ۴۷) وی اضافه می نماید:

«سلطان برای خود کارخانه بافندگی مخصوص دارد و جز برای او نمی‌بافند. پادشاه فارس برای تهیه یک جامه مخصوص تئیس، بیست هزار دینار پرداخته بود. این پارچه‌های ظریف و گرانبها که رنگهای الوان و زر بافت بوده‌اند را بوقلمون می‌گفتند؛ چراکه در هر وقتی از روز بسته به نور خورشید به قول ناصرخسرو به یک رنگ دیده می‌شده است». (همان: ۴۸)

وی در مورد مهارت هنرمندان مصر در صنعت آهن‌آلات نیز مواردی را بیان می‌دارد: «در رُستاق آهن‌آلات ممتاز سازند چون مقراض و کارد و غیره و مقراض دیدم که از رُستاق به مصر آورده بودند، به پنج دینار مغربی خواستند. چنان بود که چون مسمارش (ضامن را) بر می‌کشیدند، گشوده می‌شد و چون مسمارش را فرو می‌کردند، در کار بود.».

(ناصرخسرو، ۱۳۸۱: ۴۹) از دیگر هنرهای دستی مصریان که مورد توجه ناصرخسرو قرار گرفته و آن را شرح می‌دهد؛ هنر آبگینه‌سازی و سفال می‌باشد. وی می‌گوید: «سفالینه‌های مصر چنان لطیف و شفاف بوده‌اند که هر دو سوی آنها دیده می‌شد. کاسه و قدح و طبق و... همه را رنگهای زیبا می‌زدند که هر وقت نوری تابید به یک رنگ دیده می‌شدند؛ چون پارچه‌های زربفت بوقلمون، آیینه‌هایی به صفا و پاکی الماس که براساس وزن به فروش می‌رساندند». (علوی، ۱۹۹۳ م: ۶۴) وی به بازارهای مخصوص صنایع دستی که به آنها سوق القنادیل می‌گفتند، اشاره نموده و می‌نویسد: «در این بازارها آنچه هنر دست هنرمند و صنعت‌گر ماهر بود، به نمایش گذاشته شده و به فروش می‌رسید». (همان: ۶۳)

نتیجه‌گیری

از جمله سرزمین‌هایی که ناصرخسرو در آنجا اقامت طولانی داشته مصر متمدن بوده است که از ابتدای بوجود آمدن تمدنها دارای فرهنگ و آداب و رسوم و معماری بسیار گسترده‌ای بوده است. ناصرخسرو به اهمیت رود نیل و تأثیر آن در زندگی مردمان مصر چه از نظر اقتصادی و فرهنگی و رفاه و امنیت اشاره نموده و به جشن بزرگ خلیج اشاره دارد. زندگانی مرفه و همراه با امنیت مردمان مصر نشان از تدبیر خلفا و بذل توجه آنها به مردمان مصر دارد. وی در مورد مذهب مصریان نیز مطالبی آورده و بیان می‌دارد با وجود حکومت شیعی مذهب خلفای فاطمی مذهب شافعی از اهمیت و ارزش والایی برخوردار بوده است. حضور خلفا در مراسم ملی و مذهبی چه مسلمانان و چه اهل ذمه نشان از اهمیت موضوع از طرف ایشان دارد مساجد و جوامع باشکوه سرزمین مصر و فعالیت فرهنگی و اجتماعی آن مکانها در کنار دیگر مکانهای عمومی نشان از فرهنگ و تمدن باشکوه مصر دارد که ناصرخسرو به زیبایی و دقت فراوان آنها را بیان می‌دارد.

منابع

ابن تغری بردی الاتابکی، ابوالمحاسن (۱۳۹۲ ق)، **النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة**، مصر، وزارت الثقافة و الارشاد. چلونگر، محمدعلی (بهار ۱۳۹۰)، «مقایسه و تحلیل سیاست‌های مذهبی فاطمیان در مغرب و مصر تا پایان الظاهر»، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، س ۳، ش ۱.

حتی، فیلیپ (۱۳۶۱)، **تاریخ عرب**، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، آگاه.



- دزفولیان، کاظم (۱۳۸۷)، اعلام جغرافیایی در متون ادب فارسی تا قرن هشتم هجری، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۷.
- رمضان، عبدالعظیم (زیر نظر) (۱۹۹۳ م)، تاریخ مصر الاسلامیه، نویسندگان: سید اسماعیل کاشف، جمال‌الدین سرور، سعید عبدالفتاح عاشور، مصر، هیئت‌المصرية العامة للكتاب.
- سیوطی، جلال‌الدین (۱۳۸۷ ق)، حسن المحاضره فی تاریخ مصر والقاهره، لبنان: دارالکتب العلمیه بیروت.
- ناصری طاهری، عبدالله (۱۳۹۰)، فاطمیان مصر، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- علوی (۱۹۹۳ م)، سفرنامه ناصر خسرو، القاهره: هیئت‌المصرية العامة للكتاب.
- فضلی، زینب (بهار و تابستان ۱۳۹۱)، «بازخوانی سیاست‌های مذهبی فاطمیان در مغرب»، در مجله مطالعات اسلامی، مشهد، دانشگاه فردوسی، ش ۸۸.
- ماله، آلبر (۱۳۰۹)، تاریخ ملل شرق و یونان، ترجمه عبدالحسین هژیر، تهران: کمیسیون معارف.
- مبارک، علی پاشا (۲۰۰۸ م)، الخطط التوفیقیه الجدیده لمصر والقاهره مدنها و بلادها، مصر، الهیئه المصریه العامه للكتاب.
- متز، آدام (۱۹۹۰ م)، تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، ترجمه: علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران: امیرکبیر.
- مسعودی، علی بن حسین (۱۳۷۰)، اخبار الزمان، ترجمه کریم زمانی، تهران، اطلاعات.
- مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد (۱۳۸۵)، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، تهران، مؤسسه پژوهشی و انتشاراتی کومش.
- مقریزی، تقی‌الدین ابی‌العباس احمد بن علی (۱۳۸۵ ق)، المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار (خطط مقریزی)، بغداد، بی‌جا.
- ناصر خسرو (۱۳۷۲)، ره آورد سفر، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران، انتشارات سخن.
- _____ (۱۳۸۱)، سفرنامه ناصر خسرو قبادیانی مروزی، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران، انتشارات زوار.
- _____ (۱۳۷۰)، سفرنامه ناصر خسرو قبادیانی مروزی، به کوشش نادر وزین پورتهران، کتاب‌های جیبی.
- واکر، پل ای (۱۳۸۳)، پژوهشی در یکی از امپراتوری‌های اسلامی: تاریخ فاطمیان و منابع آن، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، فرزانه روز.
- وزین پور، نادر (۱۳۷۵)، شرح آثار ناصر خسرو، تهران: انتشارات فرزانه.